

برای بیش از نیم قرن، به نظر می‌رسید که خاندان اسد قدرت کاملی را بر سر سوریه داشته باشد. این بازیگر با اتکا به یک دستگاه امنیتی پرقدرت و متحدان مانند روسیه، ایران و حزب... در برابر قیام‌های متعدد و حتی جنگ داخلی مقاومت کرده بود. بشار اسد، ضمن آن که کنترل بخش زیادی از کشور را بعد از جنگ داخلی در اختیار گرفت، فارغ از تحریم‌های غرب، به واسطه رویکرد مثبت بازیگران حاشیه خلیج فارس که تلاش داشتند تا سوریه بار دیگر به اتحادیه عرب بازگردد، توانست اعتبارش را احیا کند. اینها عبارات یادداشت‌مقدماتی فارن‌افز است.

موازنه قدرت

حیات تحریرالشام در عرض چند روز، بدون گسترش دامنه‌دگریری‌ها، سقوط کرد. روز یکشنبه، در حالی که این گروه به سرعت کنترل دمشق را به دست گرفت، روسیه اعلام کرد که اسد به مسکو پناهنده شده و نخست‌وزیر سابق او برای تحویل رسمی قدرت اسکورت شد. بر خلاف جنگ داخلی اول، کل ماجرا کمتر از دو هفته طول کشید. توالی حیرت‌انگیز وقایع که به تحریرالشام اجازه داد دولت سوریه را سرنگون کند، دلایل زیادی داشت، از جمله رویارویی اسرائیل و حزب... تمرکز ایران بر تحولات خاورمیانه، شکست مذاکرات اشتی بین آنکارا و دمشق، مذاکراتی که سوریه به واسطه‌اش امتیاز کمتری دریافت می‌کرد و ارتش تضعیف شده و مشغولیت روسیه به جنگ پرهزینه‌ای اوکراین. به نظر می‌رسد که حمله برق‌آسای تحریرالشام با چراغ سبز ترکیه انجام شد. گروهی که در ابتدا توسط ترکیه در پایگاه خود در ادلب در شمال غرب سوریه محافظت می‌شد، عمدتاً به سان یک کمپین داخلی در سوریه فعالیت داشت. ۴۰ نامبر، شورش‌ناش تحریرالشام ظاهر بدون هیچ مانعی دومین شهر سوریه، حلب را در یک روز تصرف کردند و به سمت جنوب به دمشق رفتند. همزمان این گروه با پیشروی‌شان شورش‌های خود جوش علیه حاکمیت رژیم در سویدا و درعا در جنوب و دیرالزور در شرق را برافروختند. ۵ دسامبر آنها حمه، چهارمین شهر بزرگ سوریه را تصرف کردند. در روز بعد، حمص، سومین شهر بزرگ نیز سقوط کرد، شهری که دمشق را به قلب علوی‌های حامی دولت مستقر در کوه‌های فرراز سواحل مدیترانه متصل می‌کند. حرکت سریع شورشیان در کنار با پایگاه حمایتی فرسایشی دولت زمینه‌ساز سقوط برق‌آسای اسد شد. شورشیان در جریان آنچه که می‌توان آن را رقابت خواند بدون جنگ و مشارکت بازیگران خارجی خود را به دمشق رساندند. در پایان، شهرهای سوریه که دولت اسد و حامیان‌ش، یعنی روسیه، ایران و حزب... برای بازپس گیری‌شان از جنگ داخلی بسیار تلاش کردند را به راحتی تصرف کردند. تسلط شورشیان بر این سوریه نشان‌دهنده تغییر تاکتیکی در خاورمیانه است که قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی را در مورد چگونگی واکنش نامطمئن می‌گذارد. به گفته منابع متعددی که با رویترز صحبت کردند، چند هفته پیش، دولت بایدن با امارات متحده عربی برای لغو تحریم‌ها علیه سوریه درازای فاصله گرفتن اسد از ایران و ممانعت از ارسال تسلیحات به حزب... را بزمی داشت. اما سقوط اسد همچنین نشان می‌دهد که دگریری‌های مختلف منطقه

تا چه حد به هم پیوسته و غیرقابل پیش‌بینی هستند و در صورت غفلت یا عادی‌سازی چه اتفاقی می‌افتد. دگریری اسرائیل و فلسطین و جنگ داخلی سوریه هر دو به شکلی به یکدیگر مرتبط هستند. رویارویی ناگهانی اسرائیل و فلسطین با حمله حماس در ۷ اکتبر، حملات حوثی‌ها به دریای سرخ، جنگ اسرائیل در لبنان و رویارویی ایران و اسرائیل پیشتر خاورمیانه را بر لبه پرتگاه قرار داده بود. اگرچه پرسش‌های زیادی در مورد چگونگی تلاش تحریرالشام برای مدیریت کشور و توانایی برای رقابت با گروه‌های مختلف جهت نفوذ باقی مانده، به نظر می‌رسد پایان اسد موازنه قدرت منطقه را تغییر خواهد داد. حمله شورشیان علیه اسد ریشه در جنگ داخلی سوریه دارد که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد و هرگز به پایان نرسید. در بحبوحه خیزش‌های بهار عربی، شورش‌هایی به ناگهان قدرت را گرفته و کشور را به ویرانی کشاندند. با افزایش خشونت آمیز جنگ داخلی، گروه‌های افراطی مانند (القاعده در عراق) و شاخه‌این گروه موسوم به داعش وارد سوریه شده و میدان را برای مانور هموار کردند. دگریری‌های داخلی سوریه به سرعت بین‌المللی شد، زیرا قدرت‌های خارجی تلاش داشتند تا جریان رویارویی را به نفع خود تغییر دهند. اما در آن زمان، ایران و روسیه، متحدان سوریه، نشان دادند که متعهدتر هستند. ایران و اعضای مقاومت به اسد کمک کردند تا قدرتش را نگاه‌دارد و روسیه باجت‌های جنگنده سوخو مواضع شورشیان را بمباران کرد. این دگریری پیامدهای بین‌المللی گسترده‌ای داشت. این جنگ همچنین کودکانی بزرگ برای مسکو بود که از مداخله موفق سال ۲۰۱۵ برای حمایت از اسد و گسترش نفوذ نظامی خود استفاده کرد. برای اولین بار پس از پایان جنگ سرد، روسیه دگر یک دگریری بزرگ خارج مرزهایش شد. روسیه همچنین دسترسی خود به تنها پند آپ‌گرم - در طرطوس در سواحل مدیترانه سوریه - و همچنین کنترل بر پایگاه‌هایی حمیمیم در نزدیکی لاذقیه در غرب سوریه را فراهم کرد. اگرچه اتحاد رو به رشد روسیه با چین اغلب به آغاز حمله همه‌جانبه این کشور به اوکراین در سال ۲۰۲۲ کمک کرد، اما تقویت روابط دو بازیگر در واقع با جنگ داخلی سوریه آغاز شد، زمانی که یکن به نفع کرملین رای داد. اگرچه نقش چین در سوریه بسیار کم بود، اما آرا و لفاظی‌های این کشور در حمایت از سوریه‌راه‌ی برای عقب راندن هژمونی ایالات متحده بود، و در نتیجه به همسویی یکن با کرملین و آغاز مشارکت بدون محدودیت انجامید.

صبح زنگنه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قدرت‌ها در حال بررسی شرایط سوریه هستند



تحركات اسرائیلی‌ها در خاک سوریه هشدار دهنده است

شرایط سوریه در اماراتیک است



آرمان ملی- احسان اسقایی: سرنوشت سوریه بعد از سقوط بشار اسد در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر می‌رسد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هر کدام در حال برنامه‌ریزی به‌منظور سهمی بیشتر از یک قدرت در سوریه جدید هستند و از سوی دیگر سرنوشت آینده سوریه نیز با حضور قدرت‌های مختلف در این کشور چندان مشخص نیست. اکنون غیر از گروه تحریرالشام که بر دمشق، حمص و برخی شهرهای دیگر مسلط شده، ارتش آزاد سوریه، کردها و برخی گروه‌های دیگر در این کشور بخش‌هایی از سرزمین سوریه را تحت تسلط دارند و هرکدام از این گروه‌ها دنبال سهمی از قدرت سیاسی سوریه هستند. از سوی دیگر اسرائیل رسماً در حال جولان دادن در سوریه است و به‌رغم اینکه برخی معتقدند اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها در کنار برخی از

بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دنبال شناخت پدیده‌هایی هستند که در سوریه در حال رخ دادن است و برای شناخت این پدیده ناگزیرند که ارتباط‌هایی با بازیگران و مدعیان بازیگری داشته باشند

بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دنبال شناخت پدیده‌هایی هستند که در سوریه در حال رخ دادن است و برای شناخت این پدیده ناگزیرند که ارتباط‌هایی با بازیگران و مدعیان بازیگری داشته باشند

قدرت‌های مطرح جهان چه موضع‌گیری‌هایی در ارتباط با تحولات سوریه اتخاذ کرده‌اند؟

قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا سخنان متفاوتی را در ارتباط با تحولات سوریه بیان کرده‌اند. برخی از این کشورها اعلام کرده‌اند که باید اجازه داد اوضاع در سوریه تنظیم شود و این حرف یعنی نیروهای متضاد به جان هم افتاده و همدیگر را تضعیف و در نهایت تنظیم کنند و در مرحله بعد برای سوریه تصمیم گرفته شود. روسیه نگران جایگاه خود در سوریه است. روسیه دو پایگاه در لاذقیه و طرطوس دارد در شرایط خاصی قرار گرفته و از این رو در تلاش است این دو پایگاه را حفظ کند. چین به‌آرامی و از دور در حال برآورد اوضاع در سوریه است و تلاش دارد منافع خود را در آینده سوریه تضمین کند. تحركات اسرائیلی‌ها در سوریه برای کشورهای منطقه بسیار هشدار دهنده است و آنها نیاز به ارزیابی اوضاع دارند تا از ادامه رفتار عجیب اسرائیل در حمله به صنایع و تأسیسات سوریه و اشغال بخشی از سرزمین جلوگیری کنند. همه اینها علائم هشداردهنده است و نیروهایی که وارد صحنه قدرت‌گیری و قدرت‌نمایی در سوریه شده‌اند هنوز توان برآورد تحولات در سوریه را ندارند و هنوز یک برنامه جامع از ایده‌ها و چشم‌اندازها ارائه نکرده‌اند.

عده‌ای معتقدند که برنامه سقوط اسد و قدرت‌گیری تحریرالشام از قبل طراحی شده و محور آمریکا، اسرائیل و یک کشور منطقه در این ماجرا نقش داشته‌اند. اگر این سناریو درست است، چرا اسرائیل اکنون در حال قدرت‌نمایی در سوریه است؟

طراحی‌های پیش‌دستانه در سوریه وجود داشته که این گروه‌ها به سرعت توانسته‌اند شهرهای سوریه را به اشغال خود درآورده و به دمشق برسند. رفتارهایی که از سوی بازیگران در سوریه وجود دارد احتمالاً متضاد هم دیده خواهد شد اما این تضادها در چارچوب برنامه‌های بلندمدت نیروهای خارجی قابل محاسبه است. اسرائیل دنبال توسعه سرزمینی خود در کشورهای همسایه بوده، هست و خواهد بود. ترکیه دنبال توسعه سرزمینی در

نیرویی که اکنون در سوریه قدرت را به دست آورده و مسلط شده در آینده ظرفیت‌های خود را مشخص خواهد کرد که آیا می‌تواند در حفظ تمامیت ارضی سوریه مسلط باشد یا خیر

سوریه و عراق بوده، هست و خواهد بود. نیرویی که اکنون در سوریه قدرت را به دست آورده و مسلط شده در آینده ظرفیت‌های خود را مشخص خواهد کرد که آیا می‌تواند در حفظ تمامیت ارضی سوریه مسلط باشد یا خیر. ظاهراً تعهد اصلی این گروه کسب قدرت و حفظ قدرت سوریه است. لذا ممکن است رفتار این گروه در آینده با رفتار اسرائیل متضاد شود، اما هرکدام از این بازیگران دنبال تحقق برنامه‌های خود هستند. اینکه کجا این خواسته‌ها چشم‌انداز متفاوت و متناقض کرده‌ها و کشورهایی که نقش ایفا کرده‌اند با هم برخورد می‌کند، جای سؤال دارد. این مورد به روند امور بازمی‌گردد. اسرائیل از اینکه سرزمین بیشتری تصرف کند خوشحال خواهد شد و این استراتژی از سوی اسرائیل غیر قابل انکار است. اسرائیل احتمالاً در کشوری که همه آموزش از نیروی نظامی تا ارتش تا نیروی زمینی و دریایی آن از هم پاشیده، بیش روی خواهد کرد، چرا که نیروی نظامی رسمی سوریه عملاً متفرق شده و کار حفاظت از سرزمین را نداشته است. این تعارض‌ها وجود دارد و این تعارض‌ها خود را عیان خواهد کرد. در هر حال نیرویی که می‌خواهد بر دمشق حکومت کند نمی‌تواند در ارتباط با از دست دادن قسمت‌هایی از سرزمین خود بی‌تفاوت باشد و باید در این ارتباط در آینده پاسخگو باشد.

در سوریه گروه‌های مختلف قدرت داشتند و البته اسد بر بخش بزرگی از سوریه حاکم بود و برخی گروه‌های دیگر هم بر بخش‌هایی از سوریه حاکم بودند. در آینده سوریه چگونه اداره خواهد شد؟

سناریوها برای اداره سوریه متنوع و متعدد است. یکی از این سناریوها این است که عقلانیت در سوریه حاکم شود و نمایندگان مؤلفه‌های اجتماعی در سوریه مشخص شوند، قانون جدیدی زیر نظر سازمان ملل ایجاد شده و بر اساس قانون اساسی جدید که ممکن است به رفاندوم گذاشته شود یا نه، شکل قدرت در سوریه مشخص شود. سناریو دیگر این است که این نیروها هرکدام به فرآخور توان خود و چشم‌اندازی که برای خود ترسیم کرده‌اند به توسعه نفوذ و قدرت خود ادامه دهند که به معنای دگریری، اختلاف و بروز مشکلات سیاسی و امنیتی بیشتر خواهد بود. سناریو سوم این است که کشورهای همسایه و قدرت‌های فرامنطقه با همکاری سازمان ملل قطعنامه‌هایی صادر کنند و با تأیید دولت انتقالی، امور در سوریه را تحت کنترل بگیرند. سناریو چهارم هم هرج و مرج مطلق و آشربی خواهد بود که هر نیرویی که می‌تواند قدرت بگیرد، آن منطقه را اشغال کرده و از امکانات آن منطقه بهره‌برداری کند. کردها از یک طرف، عرب‌ها و عشایر عرب از یک طرف دیگر، داعش در طرف دیگر و نیروهای سیاسی مذهبی جای دیگر، مناطق نفوذ خود را استحکام ببخشند. در این سناریو و اینکه گروه‌ها در برابر هم صف‌آرایی کنند، بی‌تردید نقش آمریکا علنی‌تر خواهد شد. نیروهای کرد بدون حمایت آمریکا امکان حفاظت سرزمین‌های تحت نفوذ خود را ندارند و ناگزیرند این زمین‌ها را به گروه‌های دیگر انتقال دهند. علوی‌ها باید تکلیف خود را مشخص کنند که آیا می‌خواهند با علوی‌های ترکیه متحد شوند؟ این گروه‌ها که اکنون سختگوی آن‌ها هیات تحریرالشام است آیا با همین وضعیت ادامه خواهند داد یا خیر. اکنون وضعیت مبهم است و باید امیدوار بود مردم سوریه کمتر آسیب ببینند و مرحله‌گذار را هرچه زودتر به پایان رسانده، حالتی از ثبات و استقلال به نفع مردم، در سوریه واحد ایجاد شود.

نامه‌ای برای رئیس‌جمهور



یاسر آریالو

وکیل پایه یک دادگستری

به نام خدا
جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان؛ رئیس‌جمهور محترم منتخب ملت شریف ایران، با سلام.
امام علی (ع) فرموده‌اند: بپرهیز از خلف وعده که آن موجب نفرت خدا و مردم از تو می‌شود. حضرتعالی را به عنوان نماینده ادوار مختلف مجلس با بیانات صادقانه و اتخاذ مواضع منصفانه بر مبنای حقوق ملت می‌شناختم. مزین شدن کلام حضرتعالی به سخنان امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، در مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری، همچنین تأکید بر کار کارشناسی و دعوت به وفای ملی در کنار وعده رویه صداقت با مردم، اینجانب و طیف وسیعی از مردم شریف و البته ناراحت را بر آن داشت به اندک روزنه‌های امید دلخوش و پای صندوق‌های اخذ رأی، شما را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب نماییم، قبل از بیان هر مسأله‌ای در همین آغاز پایان کلام را بیان می‌نمایم، اجازه ندهید امیدی که بخشی از مردم جامعه در انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ با شما جست‌وجو می‌کردند از بین برود» و اما بعد، با احترام به استحضار می‌رساند، رویه چند ماه گذشته از عمر دولت نتوانسته است چنان که انتظار می‌رفت موجب پدید آمدن امید و نشاط شود و موضوع اصلی ادامه داشتن فشارها بر مردم است، با افزایش قیمت کالا و خدمات و سایر مواردی که در ادامه بدان اشاره خواهم داشت. ۱- افزایش افسارگسیخته قیمت دلار که برخی معتقدند عمداً چنین رویه‌ای در پیش گرفته شده و با چشم را بر آن می‌بندند چون تنها فروشنده رسمی ارز در کشور دولت است و بدین شکل کسب درآمد می‌نماید و اگر چنین فست باید گفت با سیاست‌های دولت جنابعالی و دولت‌های قبل وضعیت نرخ ارز و ارزش پول ملی به شرایط فعلی رسیده و فاصله طبقاتی و شکاف‌های اجتماعی نتیجه چنین سیاست‌هایی است. شایسته است در این خصوص اقدامی صورت گیرد، کاهش ارزش پول ملی قاعده‌ای است که نمونه مشابه آن در کمتر کشوری دیده می‌شود و آثار مخرب آن بر زندگی مردم مشهود و البته دردآور است. ۲- طبق اصل ۱۲۲ قانون اساسی، رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است. خواهشمندم توجه نمایند وظایف در برابر ملت، رهبر و مجلس مورد اشاره واقع شده است و به نظر می‌رسد شما از این سه رکن «مردم» و رافراموش نموده و با تأکید بر وفای ملی با همه افراد و گروه‌های سیاسی یا آنچه از آن تحت عنوان عقلای نظام یاد می‌کنید به توافق رسیده‌اید و در این میان ملت فراموش شده است و اگر خلاف این است، مشکلات اقتصادی محصول کدام ناکارآمدی است؟ تعیین قیم بیگانه بر ملت ایران در قانونی که اخیراً مطرح شده، محصول کدام تفکر است؟ ۳- شیوه مدیریت در دولت‌ها در ادوار اخیر عموماً مشکلاتی داشته است و توأم با افراط و تفریط بوده است. انتظار می‌رود سیاست خارجی به مبنای منافع ملی در دولت شما در پیش گرفته شود. مواضع رسمی کشور در عرصه بین‌المللی را رئیس‌جمهور منتخب مردم با کابینه‌ای که تشکیل می‌دهد، بر اساس قانون اساسی و منافع ملی اعلام می‌نماید و غیر از این هرگونه اعلام موضع کشور که توأم با هزینه باشد پذیرفته شده نیست و قطعاً رئیس‌جمهور در صورت هرگونه دخالت مستند به اصل ۵۷ قانون اساسی و وظایفی که به عهده ایشان است باید ورود نموده و مانع دخالت و هزینه‌تراشی برای کشور باشد. ۴- مستند به طبق اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی، رئیس‌جمهور، مسئول پاسداری از جنبه‌های اجرایی قانون اساسی است. هرچند برای رئیس‌جمهور مسئولیتی نسبت به اجرای قانون اساسی در قوای دیگر وجود ندارد و رئیس‌قوه مجریه نمی‌تواند برای اجرای قانون اساسی در قوای دیگر دخالت نماید، اما چنانچه قانونی در مجلس شورای اسلامی مصوب گردد که ناقض قانون اساسی باشد یا مورد مخالفت بخش عظیمی از مردم در جامعه باشد رئیس‌جمهور می‌تواند در چند حالت مستند به قانون اساسی مانع اجرای چنین قانونی شود. لذا با توجه به ایرادات اساسی مطرح شده توسط کارشناسان دلسوز در مورد قانون حجاب و عفاف، از آن مقام محترم تقاضای می‌گردد نسبت به تعلیق قانون موصوف با توجه به ظرفیت‌های ذیل اقدام گردد. الف: طرح موضوع با رهبر انقلاب و طرح بحث در مجمع تشخیص مصلحت نظام مستند به اصل ۱۱۲ قانون اساسی. ب: استفاده از ظرفیت شورای عالی امنیت ملی مستند به اصل ۱۷۶ قانون اساسی. ج: استفاده از ظرفیت همه‌پرسی مستند به اصل ۵۹ قانون اساسی. ۵- رئیس‌جمهور محترم جناب دکتر پزشکیان، حضرت عالی سابقاً نماینده ادوار مختلف مجلس بوده‌اید و نیک می‌دانید قوانین منافی خواست اکثریت کشور قانونی لازم را ندارد. لذا با در نظر گرفتن مصالح کشور و شأن ملت شریف ایران در خصوص قانون عفاف و حجاب فکری اساسی ننمایید. ۶- درآمد دولت صرفاً نباید بر پایه افزایش قیمت کالا و خدمات باشد. بازی با قیمت سکه و ارز جهت کسب درآمد برای دولت‌ها بازی با سرنوشت مردم و نهایتاً سرنوشت دولت خواهد بود. شایسته نیست دولت‌مردان تمرکز نمایند تا با افزایش تعرفه آب و برق و گاز و غیره کسب درآمد نمایند. این کشور سرشار از منابع عظیم نفت و گاز است که در سایه برداشت می‌شود و مانقشی در بازارهای کلان بین‌المللی نداریم و فشارها بر مردم تحمیل می‌شود. تقاضای می‌گردد در مسیر پیش رو آنچه قانوناً برعهده دولت است آنچنان که با مردم وعده نموده‌اید اقدام نمایید.